



در مرکز ایران و در حدفاصل کردستان، لرستان و منطقه‌ی مرکزی، ناحیه‌ای غنی با مجموعه‌ای از شهرها، بخش‌ها و روستاها وجود دارد که با جاده‌های خاکی و غیرخاکی به یکدیگر متصل شده‌اند. در این مجموعه بافت بومی و محلی، یک سنت دیرینه و باستانی است. یکی از این مراکز که برای دوستداران فرش بسیار آشنا است، همدان و روستاهای اطراف آن در دامنه‌ی کوه البرز است.

در این میان شاید بتوان خالص‌ترین و سنتی‌ترین محصولات نساجی را در تولیدات ملایر دانست؛ محصولاتی با ویژگی‌های بافت ایرانی در میان کردها و لرها. گفته می‌شود این شهر به وسیله‌ی بهرام چوبین پایه‌گذاری شد و سپس لرهای طایفه‌ی زند در آنجا ساکن شدند. در دوره‌ی قاجار (۱۷۹۷-۱۹۲۵ م.) ملایر را دولت‌آباد می‌نامیدند و دولت‌شاه پسر فتحعلی شاه (۱۷۹۷-۱۸۲۴ م.) چندین سال در آنجا حکومت کرد.^۱

امروز ملایر شهری با هزاران سکنه، در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی همدان قرار گرفته است، در حالی که در ۸۰ سال پیش، تنها روستایی بیش نبود،^۲ روستایی با شرایط آب و هوایی و منابع طبیعی فراوان و منطقه‌ای سرسبز مابین کوه‌های Haram Abad, Sardeh, Garmeh. نواحی اطراف به دلیل مناطق سرسبز، در پرورش گوسفندانی که پشم بسیار مرغوبی دارند بسیار مناسب است. علاوه بر ملایر، می‌توان به مراکز متعدد کوچکتری نیز اشاره کرد از جمله Josan, HosseinAbad و مراکز دیگری مانند Zangane, Pari, Tusk, Kesb, Nanaj, Manizan, Mishen که از شهرت جهانی برخوردارند. ملایر از پیش از تاریخ مسکونی بوده و آثار برجای مانده از نوشیجان تپه

و تپه‌ی دژقراب از مهم‌ترین نقاط باستانی مرتبط با عصر برنزند.^۳ در شروع هزاره‌ی اول، تمدن‌های پیشرفته‌ای در این منطقه ساکن بوده‌اند، و یافته‌های باستان‌شناسی (برنزه‌های معروف لرستان) بیانگر فرهنگ هنری فوق‌العاده در این ناحیه است. در فاصله‌ی قرون پنجم و ششم قبل از میلاد و شکوفایی تمدن مادی، صنعت نساجی از جایگاه رونق ویژه‌ای برخوردار بود. به هر حال کشفیات باستانی مربوط به عصر برنز و آهن، نشان می‌دهد که تولید منسوجات منتج از تمدن‌های عمده‌ی باستانی بوده است.

با تحولات شهری و اقتصادی به ویژه در نخستین سال‌های حکومت پهلوی (۱۹۲۶-۱۹۲۹ م.) جایگزینی فعالیت‌های تجاری و صنعتی را با فعالیت‌های نساجی شاهد هستیم. اما با این حال بافت قالی در مراکز کوچکتر اطراف و در میان چادرنشینان تداوم یافت. این توقف تدریجی و این بی‌توجهی به خصوص در آنجایی جلوه می‌کند که بدانیم در دوره‌ی قاجاریه (۱۷۹۷-۱۹۲۵ م.) و به خصوص در نیمه‌ی قرن نوزدهم، فرش‌های ملایر از جمله زیباترین و نفیس‌ترین فرش‌ها به شمار می‌رفتند و در زمینه‌ی طرح تحول شگرفی یافته بودند.

در دوره‌ی قاجاریه

و به خصوص

در نیمه‌ی قرن

نوزدهم، فرش‌های

ملایر از جمله

زیباترین و

نفیس‌ترین فرش‌ها

به شمار می‌رفتند

و در زمینه‌ی طرح

تحول شگرفی

انسانی و مطالعات فرهنگی

یافته بودند

مع علوم انسانی



قالی میشن، اواخر قرن نوزدهم با طرح ظل السلطان

در دوره‌های بعدی، تحول و تکامل منسوجات به ویژه فرش، به ساکن شدن دو گروه لرها و کردها در این منطقه مربوط می‌شود. لرها جمعیتی چادرنشین با ریشه‌ی ایرانی بودند. آنها پایه‌گذار خاندان زند بوده و از جمله در فاصله‌ی سال‌های (۱۷۵۰-۱۷۹۴ م.) یک لر بر ایران حکومت می‌کرد. کردها نیز با ریشه و اصالت ایرانی دارای سنت بافت فرش هستند. در این سنت کهن، استفاده از یک پود در میان ردیف گره‌ها از ویژگی‌های بافت کردی است. بخش عمده‌ای از ساکنان ملایر به یکی از این جمعیت‌ها وابسته‌اند و سنت بافت محلی‌شان، تقریباً همانی است که در سنت بافت کردی و لری وجود داشته است.

البته باید توجه کرد که یکی از عوامل مؤثر در تحول و توسعه‌ی طرح‌های قالی، شرکت‌های تجاری خارجی بودند که در همدان فعالیت داشتند. علاوه بر شرکت‌های تجاری و مشارکت آنها، آشکارا عوامل دیگری نیز در رشد و توسعه قالی دخالت داشتند که از جمله نمی‌توان نقش آخرین شاه قاجار را که تا سال ۱۹۲۵ در ایران حکومت می‌کرد، نادیده گرفت. چرا که سیاست‌های تشویقی وی، عاملی شد در توسعه‌ی کارگاه‌های نساجی و امر تجارت. وجود بازارهای داخلی نیز بی‌تأثیر نبود و در کل همه‌ی این عوامل در رشد کیفی منسوجات ملایر در طی دوره‌ی قاجار نقش عمده‌ای ایفا کردند. از دهه‌ی ۱۹۴۰ به بعد، تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر تولید منسوجات در جهت سقوط تدریجی این صنعت عمل کرد. تولید عموماً به مراکز کوچکتر ملایر از جمله Mishen و Josan محدود شد.

– جوسان و مانیزان (Josan and Manizan)

– توسک و روستاهای مجاور آن (Tusk)

– Alamdar

– سامن Samen

– پری و زنگنه (Pari and Zangane)

هریک از این مراکز یا فعال بوده‌اند و یا هنوز هم یک مرکز بافندگی فعال به شمار می‌روند با ویژگی‌های خاص خودشان که در جدول زیر آمده است.



فرش ملایر، اوایل قرن نوزدهم، با طرح هراتی

سیسیل ادواردز Arthur Cecil Edwards که تحقیقات عمده‌ای در مورد فرش ایران دارد،^۴ در سفر به ایران، متوجه شد که ملایر و روستاهای اطراف آن نقش مستقل و متمایزی در استان همدان ایفاء می‌کنند. در آن زمان ملایر و حدود ۱۲۰ روستای اطراف آن در امر بافندگی فعال بودند. حدود ۲۵۰۰ دستگاه در منطقه فعال بود که ۸۰۰ دستگاه در مرکز بودند. تولید به حدود ۵۰۰۰ قطعه، اعم از بزرگ و کوچک در سال می‌رسید.

ادواردز ناحیه را به دو قسمت شمال غربی و جنوب شرقی تقسیم کرد.^۵ در این تقسیم‌بندی هدف ادواردز نشان دادن تفاوت اصولی در سازمان تولید و ویژگی‌های فنی و تزئینی قالی‌ها بود. به گفته‌ی او در ناحیه‌ی نخست حدود ۵۰۰ دستگاه بافندگی وجود داشت که تنها ۱۰۰ دستگاه آن در شهر Nanaj^۶ مستقر بود و تولید به وسیله‌ی شبکه‌ای از بازرسان کنترل می‌شد. بافندگان با بهره‌گیری از سنت بافت خود و تنها با یک پود به کار ادامه می‌دادند. به گفته‌ی ادواردز حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه نیز در Kellegis وجود داشت.^۷ ادواردز به افت تدریجی کیفیت رنگ‌ها و افزایش استفاده از رنگ‌های آنیلین قرمز رنگ به جای رنگ‌های گیاهی سنتی که از ریشه‌ی گیاه روناس گرفته می‌شد، اشاره می‌کند.

وی در رابطه با ناحیه‌ی دوم، به فرش‌هایی با کیفیت عالی و با دو پود و علی‌رغم کاربرد گره‌های متقارن که مشابه با فرش‌های مرکز ایران است، می‌پردازد. ادواردز در مرکز این ناحیه، شش روستا از جمله Josan و Manizan را به عنوان بهترین مراکز تولید فرش‌های این ناحیه معرفی می‌کند. امروزه حتی این امکان وجود دارد که بتوانیم میان فرش‌های دو ناحیه تمایزی را قائل شویم، چه قدیم و چه جدید. برای مثال Mishen در ناحیه‌ی دوم قرار گرفته و قالیچه‌هایی را با دو پود تولید می‌کند که از زیباترین فرش‌ها در استان همدان به شمار می‌رود. در غرب ایران زیبایی قالی‌های Mishen تنها می‌تواند قابل مقایسه با قالی‌های Sarouks یا Senneh باشد. با کمال تعجب ادواردز در سال ۱۹۵۳ هیچ‌گونه اشاره‌ای در مورد منابع این فرش‌های استثنایی نمی‌کند. ادواردز در مورد صنعت بومی این منطقه متذکر می‌شود که خطر عمده آن است که بافندگان اصلی این صنعت، یعنی زنان روستا این صنایع دستی را به فراموشی سپرده و نسل‌های آینده آن را هرگز نیاموزند.^۸

ضعف بنیه‌ی مالی، ورشکستگی، کاهش اهمیت کارگاه‌های بافندگی، از بین رفتن تکنیک‌ها و روش‌های بومی و سنتی، این هنر زیبا را دچار آسیب کرده است. امروزه تنها یک دهم زنان جوان در این منطقه به کار بافندگی اشتغال دارند و آن هم تنها به خاطر ضرورت و گذران زندگی است.

با اینکه در تولیدات نساجی ملایر و پیرامون آن از تکنیک و تزئین مشابهی استفاده می‌شود، اما ویژگی‌های آن به گونه‌ای است که می‌توان به راحتی آنها را طبقه‌بندی کرد.

براساس تحقیقات صورت گرفته بر روی صدها قالی منطقه، می‌توان بافته‌های ملایر را در ۹ گروه طبقه‌بندی کرد. در سرشماری‌های سال ۱۹۷۰ حدود سیصد و سی روستای فعال در امر بافت با ۲۴۰۰۰ کارگر برآورد شده بود. گروه‌های نه گانه عبارتند از:

– ملایر

– میشن (Mishen)

– حسین‌آباد (شاملو)

CENTRE	DESIGN	SIZE	QUALITY
Malayer	figural, gol farangh, medallion and spandrels, repeat motifs	dozar, zaronim	fine
Mishen	gol farangh	dozar	fine
Hosseyanabad	herati	dozar, runner	medium-low
Josan	medallion and spandrels	dozar	medium-low
Kesb	chaharchang	dozar, runner	medium
Pari	herati	dozar, runner	medium
Tuak	bas relief	padari, poshti	fine
Samen	herati, repeat motifs	dozar	medium
Alamdar	herati	dozar	medium-low

از نقشه‌ها و طرح‌های تزئینی اصلی لری آثار کمی برجای مانده، و متأسفانه در این مورد بررسی مفصلی نیز صورت نگرفته است. هیچ رد و نشانی از این نقشه‌های تزئینی و از مهم‌ترین مراکز بافندگی منطقه‌ی میشن و ملایر به دست نیامده است. امروزه در اطراف ملایر حدود ۱۰۰ دستگاه بافندگی فعال وجود دارد. قالی‌های تولید شده عمدتاً دارای زمینه‌ای با طرح هراتی هستند. گاهی اوقات در این نوع قالی مدالیون‌های بزرگی با آویزه‌هایی که به پیکانی ختم می‌شود، دیده می‌شوند. از اواخر قرن گذشته،



فرش ملایر، (۱۳۱۸ هـ. . ۱۹۰۱ م.) موزه فرش تهران

به وجود می‌آورند، دستگاه‌های بافندگی ملایر، قالی‌هایی را با اندازه‌های کوچک با گره متقارن و یک پود در میان گره‌ها تولید می‌کنند و تنها گاهی قالی‌هایی با اندازه‌های بزرگتر برای صادرات تولید می‌شود. قالی‌های ظریف عمدتاً منسوب به میشن هستند، اما اینکه تولید انبوه این قالی‌ها به میشن نسبت داده شود به دلیل تعداد کم دستگاه‌های بافندگی این منطقه، امری منطقی نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت که تعدادی از این به اصطلاح فرش‌های میشن در واقع تولید کارگاه‌های ملایر بوده باشند.

در سایر مراکز، سنت باستانی نساجی این منطقه تا حد زیادی حفظ شده است. از جمله در حسین‌آباد که بافندگان آن اگرچه موتیف بته یا هراتی کلاسیک را پذیرفته‌اند، اما هنوز هم طرح‌ها، نقشه‌ها، قالب‌ها و روش‌های گنجینه‌های لری را از یاد نبرده‌اند. قالی‌های تولیدی این منطقه دارای زمینه‌ی قرمز روشن با ردیفی از موتیف‌های بته یا هراتی است. طرح شکاری در حاشیه‌ها استفاده می‌شود که هنوز هم از ویژگی‌های قالی‌های لری به حساب می‌آید، با سبک بته که با پیچک‌های زیگزاگ مانند به هم پیوند می‌یابند. قالب اصلی، قالب runner است که یکی دیگر از ویژگی‌های منسوجات لری است. در روستاهای مجاور حسین‌آباد، از جمله Jokar ، Gajteppe و گنبد، قالی‌هایی با بافت مشابه با قالی‌های حسین‌آباد تولید می‌کنند.

جوسان، همچون ملایر و میشن از یک سنت قالی‌بافی قدیمی برخوردار است. جوسان یکی از شناخته‌شده‌ترین مراکز در زمینه‌ی بافت قالی است که ادواردز به آنجا رفته است.

قالی‌های جوسان از یک گره متقارن و یک پود دوگانه برخوردار است همچون قالی‌های مرکز ایران و همراه با مدالیون‌هایی در زمینه‌های هراتی، مشابه با قالی‌های ملایر. قالی‌هایی نیز با زمینه‌های سیاه و تیره تولید می‌شوند، با مدالیون‌های بسیار زیبا و بزرگ، که زمینه‌های آن با موتیف سبک گل‌دار تزئین شده است.

در میان مجموعه‌ای مرکب از ده روستای عمده‌ی تولید قالی‌های به اصطلاح با طرح Chaharchang می‌توان به Kesb و Nanaj اشاره کرد. پری و زنگنه از روستاهای دیگری به شمار می‌روند که دارای سبک تزئینی خاص خود و عمدتاً مبتنی بر موتیف‌های هراتی هستند، این ویژگی در بافت در روستای Samen نیز دیده می‌شود. در تعدادی از روستاهای پیرامون بروجرد نیز قالی‌هایی با موتیف هراتی به نام Alamdar بافته می‌شوند. موتیف هراتی در ایران یک طرح معمولی و مردمی است و ریشه‌ی آن احتمالاً به آیین باستانی میترا برمی‌گردد.

پانوشت‌ها:

1. In JA'FARY 1969.
۲. قدیمی‌ترین مطلبی که درباره‌ی ملایر به عنوان یک ناحیه ذکر می‌شود به میان آمده در نزهت القلوب قزوینی است (قرن ۱۴).
3. JA'FARY 1969, P.5.
4. EDWARDS, 1953, PP99-100.
5. EDWARDS, 1953, PP100.
6. EDWARDS, 1953, PP100.
7. EDWARDS, 1953, PP100.
8. EDWARDS, 1953, PP100.

طرحی به نام گل فرنگ به معنای (گل‌های فرانسوی) استفاده می‌شود. همچنین در این منطقه انبوهی از قالیچه‌های تصویری تولید می‌شود که صحنه‌های مختلفی از حماسه‌های ایرانی را به تصویر می‌کشد. قرمز روشن در کنار سایه‌های آبی و تکه‌های سفیدی که شکل هندسی تزئینی